

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده احمد پوپل
۱۸ فبروری ۲۰۲۱

ابن دیلاق - ۱۰

جبرئیل در زمین

جبریل غریق بحر حیرت پائین شده از الاغ وحدت
افسار مبارکش به در بست آهسته هر آنچه زد به تر دست
از سوی درون خبر نیامد کوید و سری به تر نیامد
پس از سر اضطرار و اجبار یک شیرجه زد به داخل دار
در صحن سرای با تک پا آمد بر رختخواب اعلا
آهسته عبا کشید یکسو دستش بنهاد بر سر و رو
حضرت به تصور حمیرا فرمود بدان لسان شیوا:
کای عایشه جان مده عذابم یک امشب را بذار بخوابم
فرمود و به خواب و خروخ شد جبریل ز خنده روده - بُر شد
چون چاره نبود و داشت پیغام از حضرت با جلال و اکرام
بنهاد به بیخ گوش او سر با خنده سرود: کای پیمبر
من عایشه نیستم، امینم بگشای دودیده و ببینم
با صد خم و پیچ و زیر و بالا تا نیمه گشود چشم شهلا
فرمود که ای امین باری این وقت شبم چه کار داری
گفتش که نه وقت خواب نازست تر های حريم عرش بازست
یک امشب در قرون و اعصار ذاتِ احدیت است بیکار
خواهد که رسول خود ببیند با وی دوسه ساعتی نشیند
بشنید چو این رسول اکرم از شوق ز جای جُست در دم
پیچید به سر عمامه، برپا پوشید به تن ردای یک لا
پرسید که از برای این راه آنوقه بیاورم به همراه؟
گفتا نه، اگر چه رَه دراز است ز آنوقه رونده بی - نیاز است

از بهر تو یک الاغ پَر دار	ز آن رو که گسیل کرده دادار
دروازه آسمان ببینی	گر بر سرِ زینِ آن نشینی
اندر تک و پو به رَه نماند	یک لحظه تو را به حق رساند
کردند درِ سرای کولون	رفتند ز خانه هر دو بیرون
جبریل و رسولِ حق، دو پشته	گشتند سوارِ خر فرشته
پرید به قابِ قوسِ ادنا	ناکرده اشاره با تُک پا

* * * * *

الاغ وحدت - الاغ توحید، یکتائی، یگانگی، اتحاد
شیرجه زدن - پرش وجهش به طرف چیزی
دار - بیت، خانه، سرا مکان منزل
تُک پا - با نوک پنجه پا
عبا - جامه گشاد و بلند که روی لباس های دیگر به دوش می اندازند
حمیرا - مصغر حمرا زن سرخ و سپید یا زن سرخ لقبی که محمد به عایشه زن دوست داشتنی خود داده بود
امین - امانت دار لقب جبرئیل
حریم عرش قلمرو حیطه عرش (عرش : آسمانی و رای همه آسمانها)
احدیت - مقام الوهیت مقام الهی
پیچید عمامه بر پا - در حالت ایستاده بودن عمامه خود را پیچید (بسته کرد)
ردای یک لا - لباس بی استر یا پارچه نازک که روی لبای دیگر برتن کنند ، ردا - بالاپوش
گسیل کردن فرستادن روان کردن
دادار - داددهنده آفریدگار
الاغ پر دار - خر بالدار مراد از بُراق
قاب قوس ادنا - مأخوذ از آیت قرآن « فکان قوسین او ادنی » قاب قوسین مقامی است بلند و آن مقام قرب اسمائی است که مقابله میان اسماء الهی و دو گانگی آنها معتبر و محرز است یا در دائره امر الهی ، دائره وجود چون ابداء نزول و عروج فاعلیت و قابلیت